

سبک‌شناسی اشعار نادم قیصاری

حسن جويا، میثم حنیفی*

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران.

سال هفدهم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۶، صص ۹۵-۱۱۶

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.7684>

نشریه علمی سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: نادم قیصاری در شعر معاصر افغانستان شاعری شناخته شده است و اشعارش با درونمایه‌های غنایی، عرفانی، اجتماعی و فرهنگی در غنای شعر این دوره در افغانستان سهم بزرگی دارد؛ اما تاکنون زمینه مناسب برای واکاوی و تحلیل همه‌سویه شعر او فراهم نیامده و از این روی، نادم قیصاری نیز مانند بسیاری از شاعران دیگر کشور خود، در جامعه ادبی ایران ناشناخته باقی مانده است. این پژوهش، با هدف سبک‌شناسی شعر نادم قیصاری، در پی معرفی این شاعر، با ارائه نمونه‌هایی از شعر او، در سه سطح زبانی، ادبی و فکری دنبال می‌شود. همچنین شناسایی جایگاه شاعر در میان شاعران معاصر ادبیات فارسی از اهداف این پژوهش است.

روش مطالعه: پژوهش پیش رو، مطالعه‌ای نظری است. داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای به‌دست آمده و به شیوه توصیفی-تحلیلی و ارائه آمار به انجام رسیده است. محدوده مورد مطالعه، کلیات دیوان نادم قیصاری است که با مقدمه محمد سرور مولایی در سال ۱۳۹۰ ش. توسط انتشارات عرفان در تهران به چاپ رسیده است. در این پژوهش اشعار نادم قیصاری بر اساس روش سیروس شمیسا در سه سطح زبانی، ادبی و فکری سبک‌شناسی شده است.

یافته‌ها: مهمترین ویژگی‌های شعر نادم در سطح زبانی عبارتند از: بسامد بالای واژگان عرفانی، انواع تکرار، واج‌آرایی و قافیه‌های بدیعی. از برج‌ستگيهای ادبی آن میتوان به بسامد بالای روش تناسب از جمله: تضاد، مراعات‌النظیر، تلمیح و مدعاًمثل اشاره کرد. در میان آرایه‌های بیانی انواع تشبیه: اضافه تشبیهی، تشبیه مرسل، مفصل، مفرد و تشبیه بلیغ و همچنین انواع استعاره بسامد بالایی دارد. مهمترین مشخصه‌های فکری شعر نادم، عشق و حالات آن، توصیف معشوق، عرفان، حکمت، پند و اندرز، شکایت از روزگار، ستایش و مرثیه است.

نتیجه‌گیری: از بررسی‌های انجام شده میتوان نتیجه گرفت که نادم قیصاری شاعری استاد است که بر اصول و قواعد شعر کلاسیک کاملاً مسلط است و با زوایای مختلف شعر فارسی و سنن ادبی آشناست.

تاریخ دریافت: ۰۲ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ داوری: ۰۴ تیر ۱۴۰۳

تاریخ اصلاح: ۱۹ تیر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۰۳ شهریور ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی شعر، نادم قیصاری، شعر معاصر افغانستان، سطح زبانی، سطح ادبی، سطح فکری.

* نویسنده مسئول:

✉ hanifi@abu.ac.ir

☎ +۹۸ ۲۱ ۵۵۲۳۵۶۵۴



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistics of Nadem Qaisari's poems

H. Joya¹, M. Hanifi*²

1- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University (RA), Qazvin, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Ahl al-Bayt (AS) International University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 22 May 2024

Reviewed: 24 June 2024

Revised: 09 July 2024

Accepted: 24 August 2024

KEYWORDS

Poetry Stylistics, Nadem Qaisari, Contemporary Afghan Poetry, Linguistic Level, Literary Level and Intellectual Level.

*Corresponding Author

✉ hanifi@abu.ac.ir

☎ (+98 21) 55235654

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Nadem Qaisari is one of the prominent poets of contemporary Afghan poetry who, unfortunately, like many of his compatriots, is not well known in Iran. Comprehensive analysis of Persian poetry in Afghanistan is one of the relatively neglected areas in our literary community. In this study, that aims to identify the stylistic features of Nadeem Qaisari's poetry, an attempt has been made to introduce the great Afghan poet to those interested by presenting examples of Nadem's poetry at three levels: linguistic, literary and intellectual. Also, identifying the poetic position of the poet among the contemporary poets of Persian literature is one of the objectives of this research.

METHODOLOGY: The present study is a theoretical study. Its data has been obtained by library method and has been done by descriptive-analytical method and presentation of statistics. The study area is the Nadem's Diwan with an introduction by Mohammad Sarvar Molaei was Published by Irfan Publications in Tehran in 2011. Nadeem's poems have been stylized on three levels: linguistic, literary and intellectual, based on the method of Sirius Shamisa.

FINDINGS: The most prominent linguistic features of Nadem's poetry are the high frequency of mystical words, types of repetitions and novel rhymes. Its literary highlights include the high frequency of the method of proportionality, types of metaphors, new similes, types of irony, symbols. The most important intellectual characteristics of Nadeem's poetry are: love and its states, description of the beloved, mysticism, wisdom, advice, complaint about the times, praise and lamentation.

CONCLUSION: From the general studies of Nadem's Diwan, it can be concluded that Nadem Qaisari is a prominent poet who has mastered the principles and rules of classical poetry and is familiar with different angles of Persian poetry and literary traditions.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.7684>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 20	 0	 0

مقدمه

میرزا محمد یحیی نادم قیصاری از شاعران برجسته معاصر افغانستان در سال ۱۲۴۸ هـ ش در ولایت میمنه به دنیا آمد. نادم حدوداً شصت و یک سال از عمر هفتاد و نه ساله خویش را در سیمت خزانهدار، مشغول کار دیوانی بود اما در اواخر عمر از دنیا و تعلقات آن روی گردان شد و از کار دیوانی دست کشید و به دهقانی روی آورد. زندگی نادم به دو دوره تقسیم میشود: دوره اول، در گرو لذت‌های اولیه زندگی و تجمل‌گرایی بود و دوره دوم را در دنیای عرفان و تجرد به سر برد؛ کلیات دیوان به جامانده از او روشن‌گر این مسأله است. اشعار نادم در قالب‌های غزل، رباعی، مسمط، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مستزاد، قطعه، مثنوی و قصیده سروده شده است. سروده‌های دوره دوم زندگی او از نظر کمی، نسبت به دوره نخست اندک؛ اما به لحاظ کیفی ارزشمند است. نادم مضامین اجتماعی و دگرگونی‌های عصر خویش را نیز در اشعار خود بروز داده و با تقلید محض از پیشینیان خود عمل نکرده است. در این پژوهش اشعار نادم قیصاری بر اساس روش سیروس شمیسا در سه سطح زبانی، ادبی و فکری سبک‌شناسی شده است. اینکه در اشعار نادم کدام ویژگی‌های زبانی برجسته است؛ مهمترین ویژگی‌های ادبی اشعار او چیست و از لحاظ فکری چه موضوعاتی در اشعار وی بسامد بالایی دارد، مهمترین پرسش‌های این پژوهش است.

سابقه پژوهش

بررسی‌های انجام شده نشان میدهد که تا کنون پژوهشی با موضوع سبک‌شناسی اشعار نادم قیصاری صورت نگرفته است. تنها زندگی‌نامه شاعر در مقدمه چاپ کابل کلیات دیوان او و نیز اشاره کوتاهی به نادم در کتاب تاریخ ادبیات افغانستان از میر غلام محمد غبار آمده است:

۱) محمد ناصر «غرغشت» (۱۳۳۰). کلیات مرحوم الحاج میرزا محمد یحیی خان نادم قیصاری. کابل: مطبعه دستوری.

۲) میر غلام محمد غبار (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات افغانستان. پیشاور: مرکز نشراتی آرش.

اهداف پژوهش

نادم قیصاری از شاعران معاصر افغانستان است که در ایران چندان شناخته شده نیست. واکاوی و تحلیل همه‌سویه شعر فارسی در افغانستان دستاورد تازه‌ای در جامعه ادبی است که زمینه آشنایی با این شاعران را نیز فراهم میکند. در این پژوهش که با هدف شناخت ویژگی‌های سبکی شعر نادم انجام شده است، تلاش شده تا با ارائه نمونه‌هایی از شعر نادم قیصاری در سه سطح زبانی، ادبی و فکری که در تفهیم و شناساندن اثر کمک میکند باب آشنایی با این شاعر برای علاقمندان گشوده شود. همچنین شناسایی جایگاه نادم در میان شاعران معاصر از اهداف این پژوهش است.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های نظری است. داده‌های آن به روش کتاب‌خانه‌ای به دست آمده و به شیوه توصیفی-تحلیلی و ارائه آمار به انجام رسیده است. محدوده مورد مطالعه، کلیات دیوان نادم است که با مقدمه محمد سرور مولایی در سال ۱۳۹۰ هـ ش. توسط انتشارات عرفان در تهران چاپ شده است.

اشعار نادم بر اساس روش سیروس شمیسا در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بررسی شده است. طبقه‌بندی آرایه‌های ادبی نیز مطابق روش و تقسیم‌بندی کتابهای «نگاهی تازه به بدیع» و «بیان و معانی» شمیسا صورت گرفته است. همچنین از کتاب‌های «فنون بلاغت و صناعات ادبی» جلال‌الدین همایی؛ کتاب «زیباشناسی سخن پارسی ۳» میرجلال‌الدین کزازی؛ «شاعر آینه‌ها» از شفیع کدکنی و «فنون ادبی» از کامل احمد نژاد در تعریف و شناسایی بعضی از آرایه‌ها استفاده شده است. ارجاع‌دهی به دیوان نادم از راست به چپ بر اساس شماره بیت و صفحه است؛ برای نمونه: (۱۶۵/۳) بیت ۳ صفحه ۱۶۵ است.

بحث و بررسی

سبک‌شناسی اشعار نادم قیصاری

ویژگیهای زبانی

سطح زبانی یکی از سطوح سه‌گانه سبک‌شناسی است که بر اساس تقسیم‌بندی دکتر شمیسا شامل سه سطح کوچکتر «آوایی»، «لغوی» و «نحوی» میشود (شمیسا، ۱۳۹۵، ب: ۲۱۶).

سطح آوایی

در سطح آوایی که سطح موسیقایی نیز گفته میشود از عوامل موسیقی‌آفرین شامل موسیقی بیرونی (وزن)، موسیقی کناری (قافیه و ردیف)، موسیقی درونی (انواع سجع، جناس و تکرار) و غیره بحث میشود (شمیسا، ۱۳۹۵، ب: ۲۱۶-۲۱۷). شعر دو موسیقی بیرونی و درونی دارد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱، الف: ۵۱، ۴۴).

موسیقی بیرونی (وزن)

موسیقی بیرونی همان وزن عروضی است که بر اساس کشش هجاها و تکیه‌ها ایجاد میشود (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱، الف: ۵۱). نادم در کلیات دیوان خود از ۳۲ وزن کرده است. نادم اشعار خود را در دوازده بحر از وزنهای کلاسیک سروده و از این میان به بحر هزج، رمل، مضارع و مجتث توجه بیشتری نشان داده است. بسامد بحرهای استفاده شده در کلیات نادم به ترتیب چنین است: در بحر هزج ۱۱۰ شعر، رمل ۹۲ شعر، مضارع ۳۹ شعر، مجتث ۲۸ شعر، خفیف ۹ شعر، رجز ۸ شعر، متقارب ۷ شعر، منسرح ۵ شعر، مقتضب ۳ شعر، کامل ۲ شعر، سریع ۱ شعر و در بحر وافر نیز ۱ شعر.

وزنهای شعر فارسی احساسات و عواطف متفاوتی را در ذهن و روح خوانندگان القا می‌کنند. نادم در کلیات خود از وزنهای طرب‌انگیز کمترین و از وزنهای آرام و سنگین بیشترین استفاده را کرده است. در آمار فوق بحر هزج، رمل، مضارع و مجتث که از وزنهای آرام و دلگیر است بیش‌ترین بسامد و اشعار طرب‌انگیز کمترین کارایی را دارند.

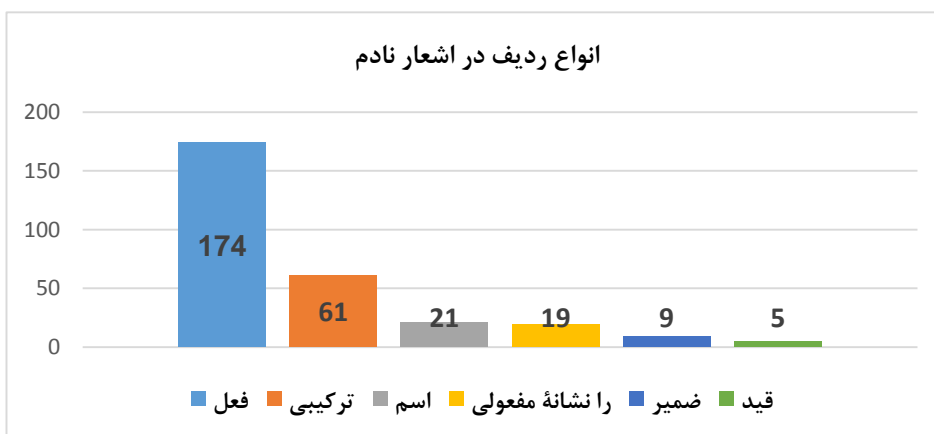
موسیقی کناری یا قافیه و ردیف

قافیه مکمل وزن است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱، الف: ۵۲). شمیسا قافیه و ردیف را موسیقی کناری شعر میدانند (شمیسا، ۱۳۹۵، ب: ۲۱۶) و در تعریف قافیه می‌نویسد: «قافیه، همسانی یا تکرار یک واکه یا یک واکه و یک همخوان در کلمه‌هاست» (شمیسا، ۱۳۹۷: ۱۱۳). قافیه بدیعی قافیه‌ای است هنری که گذشته از زیبایی همسانی واکه‌های آخر، زیبایی دیگری همچون جناس در آن به‌کار رفته است. در کلیات نادم ۸۲ مورد قافیه تجنیس؛ ۳۰ مورد ذوقافیتین و ۴ مورد قافیه معموله به‌کار رفته است.

فلک به مردم دانا همیشه در جنگ است
دچار شیشهٔ ارباب معرفت سنگ است
(۶۷/۸)

ای دل به فقر ساز و سوی اغنیا، نیا
اشکستگی گزین به در مومیا، میا
بیگانه شو ز الفتِ دونان که می‌کنند
این طایفه به آب رخ آشنا، شنا
(۵۱/۳،۴)

ردیف کلمه یا کلماتی است که در آخر مصرعها بعد از قافیه عیناً تکرار شوند (شمیسا، ۱۳۹۷: ۱۰۱). بیشتر اشعار نادم مردف است. از میان ۳۲۰ شعر در قالبهای مختلف ۲۲۳ شعر مردف و ۹۶ شعر غیر مردف دارد. نادم در اشعار خود از ردیف فعلی استفاده کرده است. ردیفهای ترکیبی، اسم، نشانهٔ مفعولی، ضمیر و قید به ترتیب در مرتبه‌های بعدی قرار میگیرد.



موسیقی درونی

«از آنجا که مدار موسیقی به معنای عام آن بر تنوع و تکرار استوار است هر کدام از جلوه‌های تنوع و تکرار، در نظام آواها که از مقولهٔ موسیقی بیرونی و کناری نباشد در حوزهٔ مفهومی این نوع موسیقی قرار میگیرد؛ که انواع سجع، جناس و تکرار است و این قلمرو موسیقی شعر، مهمترین قلمرو موسیقی است و استواری و انسجام و مبانی جمال‌شناسی بسیاری از شاهکارهای ادبی، در همین نوع از موسیقی نهفته است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: الف: ۳۹۲).

سجع

آن است که واژگان آخرِ قرینه‌ها، در وزن، حرفِ رَوّی یا هردو موافق باشند (گرگانی، ۱۳۷۷: ۲۵۶). سجع در اشعار نادم ۶۹ مورد در سطح کلمه و ۲۹ مورد در سطح کلام (موازنه و ترصیع) استفاده شده است.

ای در دل هر قطره، از شور تو دریا
وی در سر هر ذره از مهر تو سودا
(۴۰/۱)

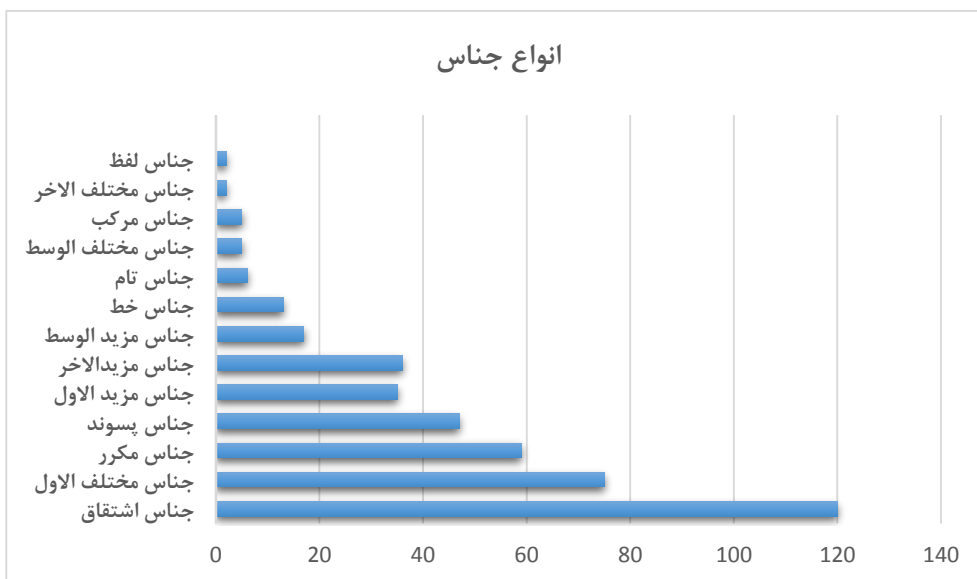
در گام اول ره غلط، کردم من از نفس سقط
بینش طمع کردم فقط، از توتیای دشمنان
(۱۶۱/۷)

فلک یک کاسه از خوانش، ملک گهواره جنینانش
 دو عالم غرق احسانش، زهی سلطان بحر و بر
 (۲۵۴/۹)
 وصف نقطه خالش گر به خامه مؤگان می‌نگاری از دل گیر دوده از چراغ داغ
 (۱۶۳/۱۷)

جناس

«همگونی» (کزازی، ۱۳۷۳ الف: ۴۸) یا جناس آن است که گوینده در سخن خود کلمات هم‌جنس بیاورد که در ظاهر به یکدیگر شبیه و در معنا مختلف باشد (همایی، ۱۳۸۹: ۴۴). انواع جناس در کلیات نادم کاربرد گسترده دارد و در کل ۴۴۰ مورد جناس به کار رفته است.

زهی مهر درخشان لمعه‌ای از پرتو رویت
 حبش تا زنگ و چین، دل‌بستگان چین گیسویت
 (۶۹/۳)
 زاهد، بزرگی تا کی به دستار؟
 بگذر ز جامه، جامی به دست آر
 (۱۱۹/۱۰)
 زهره چنگش اندر چنگ، هر شب آورد آهنگ
 تا شود بدین نیرنگ، مطرب شبستانش
 (۲۶۸/۱۱)



به‌طور کلی جناس اشتقاق با جناس پسوند که از فروع آن است با ۱۶۷ مورد در مرتبه اول، انواع جناس زاید با ۸۸ مورد در درجه دوم و انواع جناس اختلافی با ۸۲ مورد در مرتبه سوم و جناس مکرر با ۵۹ مورد در مرتبه چهارم قرار دارد.

تکرار

تکرار در ایجاد یا افزایش موسیقی کلام تأثیر بسزایی دارد. تکرار در کلیات نادم از مشخصه‌های سبکی محسوب می‌شود و نادم از انواع تکرار در سطح حروف، هجا، واژه و کلام استفاده کرده است. در کل با صرف نظر از واج‌آرایی،

۸۴۵ مورد تکرار واژه در اشعار نادم به کار رفته است که ۴۰۷ مورد آن تکرار واژه در حشو شعر است و مابقی از انواع تصدیر (ردالصدر الی العجز و ...) به حساب می‌آید.

چو نی گر هر نفس نالم، به کیش عجز معذورم
که از تیر نگاهش سینه روزن روزن است امشب
(۶۴/۹)

بی‌حریف پنج و شش، بی‌طاس و مهره در بساط
مست و بی‌خود خود به خود، نرد محبت باخته
(۱۷۰/۴)

زلف تو راست صد شکن، صد دل ریش ممتحن
چون دل مبتلای من، بسته به هر شکن یکی
(۱۷۹/۴)

خرج شد بی‌دخل عمری در هوای دخل و خرج
این خلاصه فهم کن آواره دنیا شدم
(۲۷۲/۱۴)

واج‌آرایی

عبارت از تکرار یک واکه یا همخوان در چند کلمه جمله یا مصرع است و دو گونه است: همحروفی و همصدایی. همحروفی از تکرار همخوان و همصدایی از تکرار واکه به وجود می‌آید (شمیسا، ۱۳۹۵، الف: ۷۳). در کلیات نادم ۲۷۸ مورد همحرفی و ۹۶ مورد همصدایی یافت شده است.

علاج تلخی زهر فراق یار شیرین را
کی ای فرهاد، در فردوس جوی شیر می‌سازد
(۱۰۲/۴)

دهر به دانا دلان، بس که گرفتست تنگ
در خم خمی خزد آن که فلاطون شود
(۱۱۴/۶)

«نادم» از ناکامی دنیا نگرده تلخ‌کام
آن که شهدهش را شرنگ انگاشت، عیشش غم شمرد
(۱۱۷/۹)

سطح لغوی

در این سطح کاربرد لغات عرفانی، نام حیوانات، لغات کهن و عامیانه بررسی می‌شود. زبان شعری نادم زبان فارسی دری معیار افغانستان است و از زبان عربی واژه‌هایی را به کار گرفته که در زبان فارسی معمول است. به دست دادن آمار دقیق از واژگان عربی به فارسی کاری دشوار و شاید بی‌حاصل باشد؛ اما با آمارگیری به شیوه استقرا نتیجه زیر به دست آمد: از مجموع حدود ۴۰۰۰ واژه ابتدای دیوان حدود ۱۷۰۰ واژه آن عربی بود. بنابراین با توجه به استقرا می‌توان گفت حدوداً ۴۰ درصد واژه‌های دیوان عربی است؛ اما استفاده نادم از لغات عربی غیر طبیعی نیست و از واژه‌های معمول و پرکاربرد عربی در فارسی استفاده کرده است.

واژه‌های عرفانی

نادم نیمه دوم زندگی خویش را در دنیای تجرد و عرفان به سر برده است از این جهت از لغات سمبولیک عرفانی که در دایره کلمات شعر عرفانی موجود است بهره جسته است. در کلیات دیوان او ۶۷۹ مورد واژه عرفانی به کار رفته است.

زاهد، از خلوت شدی حلاج را گر فتح باب
کی انالحق می‌زد و بر دار می‌سنجید رقص؟
(۱۳۲/۱۰)

بیا که مجمع رندان آشنا اینجاست قلندران گذشته ز ماسوا اینجاست
(۷۵/۱۲)
گر حیات جاودان خواهی به نفع خلق کوش این قدر کسب بقا در عالم فانی بس است
(۸۶/۷)

نام حیوانات

در دیوان نادم ۲۵۴ مورد نام حیوانات به کار رفته که ۱۶۲ مورد آن نام پرندگان است.
نامد از من غیر دشمن‌پروری بنده گشتم نفس سگ را از خری
(۲۲۱/۱۲)
هدهد خوش‌خبر، از صعوه مجروح اسیر عرض حالی ز کرم خدمت عنقا برسان
(۱۶۱/۱۰)

واژگان کهن و عامیانه

در کلیات نادم ۱۵ مورد واژه کهن و ۶ مورد واژه عامیانه یافت شد.
گویم گرت بوبینم، اظهار درد سازم آوخ تو را چو یابم، گم میشود زبانه
(۱۵۱/۹)
مرا حیف آید ای سرو سمنبر که خرموره شود همسک گوهر
(۲۴۶/۸)
«بوبینم» و «خرموره» تلفظهای عامیانه ببینم و خرمهره است.

سطح نحوی

شبه‌جمله

واژه یا گروهی از واژه‌هاست که گوینده حالت‌های عاطفی و روحی خود چون شادی، تعجب، درد، افسوس و مانند آنها را بیان میکند (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۹۰: ۱۷۰). در کلیات نادم ۸۵ مورد شبه جمله یافت شد.
آه از آن روز که بی‌دوست به شب انجامد فرخ آن عمر که در صحبت جانان گذرد
(۱۱۰/۱۳)
دردا که فلک بی‌سر و سامانم کرد بی‌خویش و تبار و یار و اقرانم کرد
(۱۸۵/۹)

سطح ادبی

در این بخش آرایه‌های بدیع معنوی مانند ایهام و تناسب و صور خیال؛ مثل تشبیه، استعاره، کنایه و به طور کلی زبان ادبی اثر و هرگونه انحراف هنری و خلاقیت ادبی که در زبان صورت گرفته است بررسی میشود.

بدیع معنوی

تضاد یا ناسازی

آوردن واژه‌هایی است که ضد یکدیگر باشند (وطواط، ۱۳۶۲: ۲۴). در کلیات نادم ۵۴۶ مورد تضاد به کار رفته است.

از کعبه و بتخانه تویی مقصد و منظور وز سبحه و زَنار تو مطلوب و تمنا
(۴۰/۵)

التفات آگهی ما را به غم هم‌خانه ساخت اندرین ماتم‌سرا خوش زیست آنکو غافل است
(۸۱/۱۰)

همبستگی یا مراعات‌النظیر

آن است که برخی از واژه‌های کلام، اجزای یک کل باشند و از این جهت بین آنها ارتباط و تناسب باشد (شمیسا، ۱۳۹۵. الف: ۱۰۷)، اگر شاعر مفاهیمی را که با یکدیگر نسبتی دارند بیاورد آن را مراعات‌النظیر می‌خوانند (شفیعی دکدکی، ۱۳۹۱. الف: ۳۱۰). در کلیات نادم ۳۶۰ مورد مراعات‌النظیر به کار رفته است.

گفتمش: روزی دو شاگرد وفا شو، گفت: نیست این سبق در دفتر تعلیم استاد مرا
(۴۴/۸)

دل را به درد ساخت سند، قاضی قضا وز داغ عشق، مهر نمود این قباله را
(۵۳/۱)

تلمیح

نجفقلی در *دُرّه نجفی* (میرزا، ۱۳۶۲: ۱۸۸)؛ شمیسا در *فرهنگ تلمیحات* (شمیسا، ۱۳۸۹: ۹) و احمدنژاد در کتاب *فنون ادبی* (احمدنژاد، ۱۳۸۲: ۱۳۵) تلمیح را اشاره به قصه، آیه، حدیث و داستان مشهور می‌دانند. در دیوان نادم ۲۷۷ مورد تلمیح به کار رفته است.

فرّ فریدون نماند، جام جم از دست رفت بخت سکندر کجاست؟ حکمت لقمان چه شد؟

نالۀ فرهاد کو؟ منطق شیرین کجاست؟ محمل لیلی گذشت؟ قیس بیابان چه شد؟
(۱۱۲/۱۷، ۱۸)

ایهام

در کلیات نادم ۸۸ مورد از انواع ایهام به کار رفته است.

روزگاری شد که بختم روی بیداری ندید گرچه مردم را به شب‌ها از فغانم خواب نیست
(۷۷/۳)

ناوک ناز تو از جوشن جان می‌گذرد خنجر غمزهات از سینه روان می‌گذرد
(۹۴/۳)

مدعا مثل

در مدعا مثل شاعر در مصرعی ادعا میکند و در مصرع دیگر برای ادعای خویش مثل می‌آورد. در کلیات نادم ۸۵ مورد مدعا مثل به کار رفته است.

دستگاه خوبی رنگ گل از بوی است و بس پیکر بی‌روح باشد هر که را اخلاق نیست
(۸۵/۱)

صحبت روشن‌دلان سرمایه‌بخش عزّتست قطره بی‌قدر از فیض صدف گوهر شود
(۹۸/۳)

بیان

تشبیه: تشبیه عبارت است از مانند کردن چیزی به چیزی دیگر (شمس قیس، ۱۳۸۸: ۳۵۹) مبتنی بر کذب یا حداقل دروغ‌نماست (شمیسا، ۱۳۹۳: ۳۳). به طور کلی انواع تشبیه در اشعار نادم ۲۷۲۵ مورد به کار رفته است.

حسی به حسی: ۴۰۷ مورد.

ز عهد خود اگر آن سرو گل‌عذار نگشتی
چو قمری آه و چو بلبل فغان نمی‌کردم
(۱۸۰/۳)

عقلی به حسی: ۱۵۰ مورد.

شوربختی سرنوشت لوح پیشانی مرا
بحر عشقم زورق عقل است طوفانی مرا
(۵۳/۷)

تشبیه مفرد: ۴۲۵ مورد.

شاد آن بلبل که اندر آشیان ببند تو را
در بهارِ رنگ و بو، نشکفته چون رویت گلی
(۵۹/۱۳)

تشبیه مفروق و ملفوف: ۷۳ مورد

ز مژگان و ز ابرو، خنجر و شمشیر
می‌سازد
بنازم ترک چشمت را که بهر کشتن مردم
(۱۰۱/۱۱)

روب‌روی هر که شد از پا ضرور افتاده است
ترک چشمت با کمان ابرو و تیر مژه
(۸۲/۸)

تشبیه جمع: ۱۷ مورد.

یا دهان جانان یا سرّ کردگار است این؟
بلعجب معماییست یا که نقطهٔ موهوم
یا که داغ دل یا زاغ یا که خال یار است این؟
دانۀ سپند است آن، یا نه بچۀ هندو
(۱۶۵/۷،۸)

تشبیه مفصل: ۳۹۸ مورد.

دائماً دنباله‌گردِ جمع نیکان کن مرا
با خودم ده آشنایی چون سگ اصحاب کهف
(۴۰/۱۹)

تشبیه مرسل: ۳۹۲ مورد.

یوسف‌آسا، بی‌نیاز روی اخوان کن مرا
همچو یعقوبم، ز بوی پیرهن کن چشم باز
(۴۰/۱۶)

مشرق انوار خورشید عدالت کن مرا
تیره شد روزم چو شب از ظلم جمعی تیره‌دل
(۵۷/۴)

تشبیه بلیغ

اگر هم «ادات تشبیه» و هم «وجه شبه» حذف شود تشبیه، بلیغ است که رساترین و زیباترین شکل تشبیه است (مقدم و اشرفزاده، ۱۳۸۷: ۸۸) تشبیه بلیغ به دو گونه اضافی و اسنادی می‌آید بنابراین هر اضافه تشبیهی که وجه شبه آن ذکر نشده باشد تشبیه بلیغ نیز هستند. در کلیات نادم ۲۵۷ مورد تشبیه بلیغ اسنادی به کار رفته است.

سرشکم سیم و رویم زرّ ناب است مرا حاصل ز عشق این زرّ و سیم است
(۶۸/۹)

گل این باغ جمله داغ دل است سرو او آه و سور او ماتم
(۲۲۸/۱۳)

اضافه تشبیهی

آن است که مُشَبَّه و مُشَبَّه‌به صورت ترکیب اضافی به کار رفته باشد و ادات تشبیه و وَجْه شَبَّه آن حذف شده باشد (شمیسا، ۱۳۹۳: ۴۵). در کلیات نادم ۴۷۸ مورد اضافه تشبیهی به کار رفته است.

مرا جانی است اندر چاه تن، با طلعت یوسف گرفتار است ز اخوان هوا، در زحمت یوسف
(۱۳۹/۸)

پوشیده‌اند گنج بقا در فنای نفس کیخسرویم دفع گر این ازدها کنیم
(۱۵۸/۱۸)

استعاره

استعاره به کار بردن یک لغت به جای لغت دیگر به علاقه مشابهت است (شمیسا، ۱۳۷۰: ۱۴۱)، یا تشبیه اختصار شده‌ای است که فقط یکی از طرفین آن ذکر شود و گوینده ادعا کند که مُشَبَّه از جنس مُشَبَّه‌به است (قویم، ۱۳۶۱: ۱۰۱). در اشعار نادم به طور کلی ۶۸۴ مورد استعاره به کار رفته است.

وَه که هر ساعت همای زلف تو سایه اندازد به فرق آفتاب
(۶۵/۳)

گشته سنگین گوش گل، از مستی صهبای حسن بلبلا بیهوده چندین هرزه نالیدن چرا؟
(۵۱/۱)

نیست «نادم» مِهَر بر زُهره جبینان، می‌رود در هوای مهوشان از دیده پروینت غلط
(۱۳۴/۱۶)

گر چنین خندان گشاید گل به روی خار چشم گلستان را گلخن آه عندلیبان میکند
(۱۰۸/۱۲)

کنایه

در کلیات نادم ۸۹ مورد کنایه به کار رفته است: کنایه از صفت و کنایه از فعل؛ که دومی بسامد بیشتری دارد. تا شوم ایمن ز روبه‌بازی ابنای دهر همره شیر نیستان شجاعت کن مرا
(۵۷/۷)

گر به چشمت نیست سنگین، دون ز عالی ای فلک
بر ترازوی گهر خرمهره سنجیدن چرا؟
(۵۰/۱۴)

سطح فکری

در این بخش مهمترین برجستگی‌های تکرار شونده محتوایی اشعار نادم بررسی میشود که نحوه برخورد شاعر با جهان پیرامونش و نیز رویکرد او را به مسایلی چون عشق، عرفان و اخلاق و زندگی روزمره نشان می‌دهد.

توحید و خدامحوری

نادم با نیایشهای عاشقانه‌ای که با خداوند دارد، پیوند خود را با دین اسلام که توحید و یکتاپرستی است به نمایش گذاشته و خدامحوری را در تمام دیوان خود گسترانیده است. نیایش نادم و حمد پروردگار در شعر او با دید عرفانی مطرح میشود و در آن شکایت از نفس و قالب تن که روح ملکوتی را از پرواز باز داشته و در تیرگی ظلمات نگاه داشته است مشهود است.

بر حمد تو گویا شده هر جا که زبانیست
گویایی «نادم» بُود از حمد تو گویا
(۴۰/۱۳)

هر طرف طغیانِ سیلِ نفس، عالم‌گیر شد
در پناهِ نوحِ وقت، ایمن ز طوفان کن مرا

با خودم ده آشنایی چون سگ اصحاب کهف
دائماً دنباله‌گردِ جمع نیکان کن مرا
(۴۰/۱۸-۱۹)

یا رب از فضل و کرم محرم رازم گردان
به درِ خویشتن از اهل نیازم گردان

گوهرآسا ز قناعت، دلِ جمعم بخشای
همچو موج از تک و تازِ ره آزم گردان
(۱۶۰/۷،۸)

نادم توسل به قرآن کریم را راه حلی برای گرفتاریها میداند.

«نادما» غنچه صفت گر گرهی در دلِ توست
حل اشکال جز از خواندن قرآن مطلب
(۶۴/۳)

پیامبران

نادم در اشعار خود برای بیان اهداف و منظور شعری در موضوعات مختلف به سرگذشت و داستانهای پیامبران اشاره دارد و گاهی برای آوردن مثال روشن از اسمها و معجزه‌های معروف بعضی از پیامبران سود جسته است.

کی کلیم جان خروش «رَبِّ آرنی» کم کند
گر تجلی تلّ خاکستر کند طور مرا
(۵۲/۹)

از گرد حسد تمییز در دیده اخوان نیست
زیبایی یوسف را از چشم زلیخا پرس

گوساله بهل بگذر، از سامری و اهلس
رمز شجر و میقات، از خدمت موسی پرس

خوش باش که حق مطلق پوشیده نمی‌ماند کیفیت مریم را از نطق مسیحا پرس
(۱۲۸/۴،۸،۹)

نادم در غزلی که از روی دلدادگی به حضرت ختمی مرتبت سروده است پیامبر را رستم دو جهان و منجی خود
میداند.

تو رُستَمِ دو جهانی مغیث «نادم» شو که در چَه تنش افتاده بیژن روح
(۹۱/۳)

اهمیت زمان و حسرت گذشتن عمر

زمان از موضوعات پراهمیت در شعر نادم است. او زمان را از این جهت ارزشمند میدانند که در راه کسب معارف
عالیهٔ انسانی و تقرب الهی صرف شود. از این رو به لحظه‌هایی که در غفلت سپری شده است حسرت می‌خورد و بر
خود نهیب می‌زند که از خواب غفلت برخیزد.

عمرم به کوچه‌گردی تن هرزه صرف شد در دار ملکِ روح نکردم سفر عبث

مویم سفید گشت و سیاهست دل هنوز صبحم نمیدمد، شب من شد سحر عبث

قوت ز عشق خواه که دل را کند ضعیف سودای حرص هرزه و صفرای زر عبث
(۸۸/۱۱،۱۲،۱۳)

نادم از سرگذشت جوانی و کار دیوانی خود پشیمان است و از بیداری و آگاهی دل که او را به عزلت و اعتکاف
کشانده است خرسند است.

مدتی عمری گرامی صرف لَهو و لعب گشت عاقبت در خجلت از این هرزه‌کاریها شدم

کاروان بگذشت و من در خواب ماندم بی‌خبر خود به پای خود روان در کام اژدرها شدم

روزگار نوجوانی رایگان دادم ز دست نوبت پیری رسید و قوت از اعضا شدم

رست‌خیزی از بُن هر موی من دارد خروش تا به چشم عقل بر کوری خود بینا شدم

عاقبت از هرزه‌تازیهای نفس بوالهوس باز گرداندم عنان، آسوده از غوغا شدم

بر توکل گوشهٔ بی‌توشه‌ای کردم وطن خانه در قاف قناعت ساختم، عنقا شدم

منت ایزد که از قید غرورم وارهاوند مستعد خواب راحت، بوریا آسا شدم

از سبک‌مغزی درین بحر، ار چه بودم سرگران چون حباب الحمد اکنون از سر خود وا شدم
(۲۷۳/۳-۱۰)

شکایت از روزگار

نادم از نابرابری زمانه شکایت میکند که بزرگان و اهل هنر را به ذلت کشیده و فرومایگان را به عزت رسانده است. او انسانهای بزرگ و هنرمند را به شاه‌باز و فرومایگان را به زاغ مانند میکند و میگوید شاه‌بازان روزگار سر به اعتکاف بردند و زاغان جای بلبل را گرفته‌اند.

اگر از اهل ادراکی مرنج از غم که میدانم
فلک بیگانگی با مردم فضل‌آشنا دارد
(۱۰۰/۸)

بس که به خوبان بد است، یوسفی هرجا که هست
چرخ به چاه افکند، تا که دلی خون شود

دهر به دانادلان، بس که گرفتست تنگ
در خمِ خُمی خَزَد آن که فلاطون شود

(۱۱۴/۴،۶)

چه فتنه‌ها که درین روزگار میبینم
سران فتاده به پا خوار و زار میبینم

به زیر بال کشیدند شاه‌بازان سر
چه زاغ، زاغچه‌ها در شکار میبینم

بسان غنچه تصویر طبع اهل هنر
ز انبساط جهان بر کنار میبینم

نموده زاغ چو طاووس جلوه بلبل را
به تنگنای قفس دلفگار میبینم
(۱۵۸/۳-۷)

نادم در قطعه «سلوک دهر» از نامهربانی دهر در برابر اهل معرفت و صاحبان هنر شکایت میکند.

هر جا که اهل معرفتی دید دهرِ دون
از انقلاب حادثه پامال میکند

وآن را که جاهل است مراعات ساخته
شایسته مدارج اقبال میکند

زین شیوه شد معاینه دنیا بُود زنی
زن دایم این سلوک به اطفال میکند

از شیر باز گیرد و تأدیب می‌دهد
فرزند او که روی به اکمال میکند

وان را که کودک است دهد شیر و تربیت
در مهد استراحت و آمال میکند
(۲۳۷/۱-۵)

مفاخره

نادم نیز مانند بسیاری از شاعران دیگر در تاریخ ادبیات در برخی موارد به ستایش خود و شیوه شاعری خود پرداخته است. نادم در راه کسب معرفت و روش عارفانه همواره از تواضع و فروتنی سخن میگوید و یگانه راه رسیدن به معشوق آسمانی را با تواضع ممکن میدانند؛ اما سخنسرایی‌اش را میستاید و به آن فخر میکند.

جوی شیری جاری از الفاظ شیرین کرده‌ام
خسرو معنی شناسد زورِ فرهاد مرا
(۴۴/۹،۱۰)

به هر جا نادم از شیرین‌ادایی لب به حرف آرد
شکر در کام گردد تلخ طوطی سخنگو را
(۴۴/۷)

از دل پر خون جهانی را کنم مست سخن
جوش صد خُم باشد این یک دانه انگور مرا
(۵۲/۱۶)

نادم، با آنکه برای شعر خودش قدر و قیمت زیادی قایل می‌شود؛ اما بر خلاف انتظارش از طرف جامعه و مردم زمانش مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. از این‌رو، آزرده‌خاطر و ناراحت است. گاهی بی‌توجهی و قدرنشناسی اهل زمانه تا آن جا شاعر را رنج می‌دهد که حتی تصمیم می‌گیرد دیگر شعر نسراید.

نادم نگشا نافهٔ چینی به خراسان
کامروز خزانِ سخن و قحطِ مشام است
(۷۰/۱۶)

مدح

در دیوان نادم، مدحیه‌سرایی بسامد بالایی دارد و در چند دسته قابل تقسیم‌بندی است:

مدح زمامداران

نادم بعضی از پادشاهان و حاکمان افغانستان را مدح کرده است که بیانگر گرایش سیاسی شاعر به سلسلهٔ پادشاهی خاندان «آل بیحی» در افغانستان است. پادشاهان ممدوح او همه از تبار پشتونند و در میان سلسلهٔ پادشاهی آنان تنها حبیب‌الله خان کلکانی که تاجیک‌تبار است و حکومت را از طریق کودتا به مدت ۹ ماه در افغانستان به دست گرفت، از سوی نادم ذم می‌شود. این دسته از اشعار شاعر نگاه وی را در تقابل با بعضی از شاعران افغانستان از جمله سید اسماعیل بلخی قرار داده و شعرش را از حوزهٔ شعر مقاومت افغانستان متمایز میکند.

لله الحمد که در دولت افغانستان
شب غم روز شد از فضل خداوند جهان

کشتی مملکت از موجۀ طوفان بلا
جای شکر است که آمد به سلامت به کران

غم طرب گشت و ستم عدل و جهانی خرم
شد درین ناحیت از بار دگر امن امان

نادر ثانی آفاق «محمد نادر»
خسرو با عظمت، نیر آفاقستان

رخ برافروخته بر تخت عدالت بنشست
راست ماندهٔ خورشید به برج میزان

تا برافراخت چو خورشید علم بر عالم
فتنه و ظلمت و غم گشت چو خفاش نهران

عالم پیر چنان یافت جوانی از سر
که به عهدش سزد ار راست شود پشت کمان
(۲۷۰/۱،۲،۳،۴،۶،۷،۱۱)

بزرگان ادب پارسی

نادم همواره از بزرگان شعر و ادب پارسی به نیکی یاد کرده است. او در غزل‌های خویش از شاعرانی چون ظهیر فاریابی، شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، سعدی شیرازی، امیر خسرو دهلوی، صائب تبریزی و محمود ولی طواف کابلی نام برده است. افزون بر اینها در مضمون، لفظ، تعبیرها، وزها و ردیف‌های او رد پای شاعران دیگر چون حکیم سنایی غزنوی، خاقانی شروانی، حافظ شیرازی و مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی را میتوان یافت. استقبال نادم از صائب تبریزی و بیدل:

نادم به طرز صائب گفت این غزل که فرمود «وحشت بود ز مردم از خویش بی‌خبر را»
(۴۷/۳)
گرچه در بزم سخن آتشیانم همچو شمع لیک کرد آب از لطافت شیوه بیدل مرا
(۵۹/۸)

مرثیه

در کنار مدح، مرثیه اشخاص مورد نظر شاعر نیز در دیوان او بازتاب یافته است؛ اما همپای مدح‌های شاعر نیست. گذشته از پادشاهان و حاکمان، در مرثیه چند تن از صوفیان زمان نیز اشعاری سروده است. از این جمله شاه ولی‌الله، صوفی و عارف هم‌روزگار نادم از مشایخ طریقت نقشبندی بود که در پرچمن ولایت غور میزیست. نادم به او ارادت داشت همان طور که از دیدار و زیارت او ابراز خرسندی می‌کرد در وفات او نیز مرثیه‌ای سروده است.

اختر برج شرع، شارع دین گوهر درج راز بحر کرم
غوث آفاق «شه ولی‌الله» رخت بر بست از این سراچه غم
چون شنید ارجعی ز داعی جان به اجابت ز سر نمود قدم
(۲۲۹/۱،۲،۵)

تلاش و کوشش

بشر از بدو زندگی مغاره‌ای تا اوج شکوه و بالندگی امروز، مسیر تکامل خود را مدیون تلاش‌های خویش است. از این‌روی، تلاش، پدیده مهمی در زندگی فردی و اجتماعی بشر است. قرآن کریم، داشته‌های بشر را در گرو تلاش او میداند که: برای انسان هیچ چیزی بدون تلاش نیست. (سوره نجم آیه ۳۹). نادم نیز مانند بسیاری از شاعران دیگر به این مهم پرداخته است. نادم، مُزد و ثمره تلاش را رسیدن به مقصد میداند که آن را به کعبه تشبیه کرده است:

طواف کعبه مقصد بود مزد تلاش آخر که در ریگ بیابان تشنه جان دادند کاهلها
(۳۹/۷)
از فوت فرصت فیض دشوارتر غمی نیست ریزد سرشک از انجم، گردون به ماتم صبح
(۹۱/۵)

علم‌اندوزی

نادم آموختن علم و کسب فیض را کمال انسانیت میداند و توصیه میکند که هر پدر و مادری باید فرزندان خود را در راه دانش به زحمت اندازد. به عقیده نادم هیچ عیبی بدتر از کاهلی و نادانی در انسان نیست.

حبذا قومی که دارند از جهالت ننگ و عار
 مرحبا جمعی که علم و فضل را کرد اختیار
 هیچ عیبی نیست در انسان بتر از کاهلی
 کوششی باید ضرور اندر علوم و افتخار
 هر که بر اولاد خود دارد محبت بیشتر
 باید او را در هنر زحمت دهد در روزگار
 عزت عامه بود بر جامه و دستار نغز
 کر و فر را کی بود در چشم خاصان اعتبار؟
 روی زیبا را به کلی حاجت مشاطه نیست
 کی زن هندو به آرایش شود ترک تتار؟
 بی‌کمال و علم کی یابد ز اقران امتیاز
 بی‌هنر هرگز نخواهد گشت صاحب‌اقتدار
 (۲۶۶/۱-۳)
 (۲۶۶/۸-۱۰)

تواضع

نادم خودش را در مقام یک شاعر، با کمال افتخار مورد ستایش قرار میدهد و رقیبانش را ناتوانتر از خود معرفی میکند؛ اما در مقام یک عارف، شخصی است متواضع و فروتن که از افتخار و فضل‌نمایی به شدت بیزار است. وی در این حوزه تواضع را راه رسیدن به کمال معرفی میکند.

شب‌نم نمی‌پرسد ز کس، ره خانه خورشید را
 نبود به جز افتادگی، خضر و مسیحای دگر
 گردن مکش چو موج و چو کف برتری مجوی
 لب‌بسته چون صدف، چو گهر با وقار باش
 (۱۲۰/۱۳)
 (۱۲۹/۲)

عشق

عشق در دیوان نادم، با معنا و مفهوم آسمانی مطرح میشود و از این‌رو دارای قداست و عظمت است. نادم عشق را محیطی میداند که جهان را احاطه کرده است. شاعر مظاهر زیبایی طبیعت از جمله آفتاب را تحت الشعاع عشق میداند و معتقد است که شور و هیجان عالم از برکت عشق پدید می‌آید. نادم، در توصیف عشق، بیشتر از حافظ متأثر است و با نگاه رندانه، واژگانی چون «درد»، «میکده» و «پیر مغان» را برای بیان هدف خودش استخدام کرده و به زاهد میتازد و او را در مقام و منزلت عشق «افسرده» خطاب میکند. موضوعات تکرار شونده شعر عاشقانه، در شعر نادم نیز تکرار میشود؛ البته حلاوت خاص خود را دارد که غم عشق از هر زبان که شنیده میشود نامکرر است. توصیف معشوق، غم فراق معشوق، وفاداری عاشق و جفاکاری معشوق، شکایت از رقیب و ... از موضوعات مهم این بحث است.

بی‌تکلف زر کند خورشید عالم‌تاب عشق
 گر به خاک تیره اندازد نگاه خویش را
 از جهان بیگانه دانم آشنای عشق را
 خسرو آفاق میخوانم گدای عشق را
 (۴۷/۶)

بگذراند نردبانِ عجز، عاشق را ز عرش
آن سوی افلاک بنگر کبریای عشق را
زاهد افسرده این لذت نمیداند که چیست
دُرد نوش میکند داند صفای عشق را
گوهر بینش ندارد آب پیش چشم کور
صیرفی عقل نشناسد بهار عشق را
بوعلی از علت عقل طبیعی شد هلاک
چون نپرسید او ره دارالشفای عشق را
(۴۰/۱۰-۱۵)

عشق و هوس

اهل زینت را رهایی نیست از قیدِ هوس
دارد اندر دام دایم نقش پر طاووس را
(۴۸/۷)
به بازارِ محبت نیست سودای هوس رایج
دکان عشق آتش میزند جنس شراکت را
(۴۹/۳)

توصیف معشوق

تفسیرِ قد و زلف و دهانت نتوان کرد
این جاست که پیوند الف لام و میم است
(۷۳/۱۶)
بنازم ترک چشمت را که بهر کشتن مردم
ز مژگان و ز ابرو، خنجر و شمشیر میسازد
(۱۰۱/۱۱)
پری‌رویی که من دیوانه‌ام از چشم فتانش
دو عالم خلق، زنجیربست از زلف پریشانش
ز دیر و از حرم، لبیک و ناقوسی که میبald
بود شور و فغان و ناله دل‌های نالانش
(۱۳۱/۱،۲)

فراق معشوق

نادم از درد هجر و فراق یار به تنگ آمده از آن شکایت میکند. او از فراق یار آن قدر ناله سر داده که پروانه، قمری و بلبل، سوختن و آه و فغان را از او آموخته‌اند:
آموخته پروانه و قمری و عنادل
ناوک ناز تو از جوشن جان میگذرد
از عاشق تو، سوختن و آه و فغان را
(۴۱/۱۹)
دل و جان چیست که در راه تو نتوانم باخت؟
عاشق روی تو از کون و مکان میگذرد
(۹۴/۳،۴)
دچار دوزخِ هجرِ رخ و قد و لب تو
به خلد و طوبی و کوثر رضا شود، نشود
(۱۰۸/۱۹)

تقلید و نوآوری

در ادبیات کلاسیک، هر متنی پیرو متون کهن و سنن ادبی متولد میشود و به کمال میرسد. نادم نیز در کلیات دیوان خویش با پیروی از پیشینیان به سرودن اشعار خود پرداخته است. در غزل‌های نادم نشانه‌هایی از شیوه بیان شاعران سبک هندی به ویژه صائب و بیدل دیده میشود اما در ویژگیهای اصلی سبک هندی یعنی در مضمون‌بندی و صور خیال متفاوت است. یکی از ویژگیهای برجسته شعر نادم که او را از بسیاری از شاعران سبک هندی متمایز میکند کاربرد تلمیحها، اشاره‌ها و مضمون‌سازیهایی است که بر پایه قصه‌ها و داستانهای قهرمانان دوره‌های اساطیری، پهلوانی و تاریخی ایجاد شده است که منابع آن شاهنامه فردوسی و منابع تاریخی سده‌های پنجم و ششم است. اشعار نادم به طور کلی خواننده را در فضای شعری سده‌های ششم تا نهم میبرد. افزون بر اینها در مضامین، واژه‌ها، تعبیرها، وزن‌ها و ردیفها رد پای سنایی، خاقانی، حافظ و جامی را میتوان دید. در کلیات نادم نوآوری خاصی که او را مبدع آن معرفی کند به نظر نمیرسد.

نتیجه‌گیری

نادم قیصری از شاعران معاصر است که بر اصول و قواعد شعر کلاسیک مسلط و با زوایای مختلف شعر فارسی و سنن ادبی آشناست. نادم اشعارش را در قالبهای غزل، رباعی، مُسَمَّط، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، قطعه، مستزاد، مثنوی و قصیده سروده است. از این میان قالبهای غزل، رباعی، قصیده و قطعه به ترتیب بیشترین بسامد را دارند. از نظر موسیقی بیرونی، دوازده بحر معمول شعر فارسی و زحاف آنها در اشعار نادم به کار رفته و به ترتیب بحرهای هزج، رمل، مضارع و مجتث بسامد بالایی دارند و از این میان، بیشتر به بحر هزج و رمل توجه نشان داده است. در موسیقی کناری از انواع قافیه‌های بدیعی استفاده کرده که از این میان به قافیه تجنیس و در مرتبه دوم به ذوقافتین توجه بیشتری نشان داده است. بسیاری از اشعار او مردف است و بیشترین ردیفها، ردیف فعلی است. ردیفهای ترکیبی و اسمی در مرتبه دوم قرار دارد. نادم در بخش واژه‌ها، از زبان و واژه‌های معیار زبان فارسی، واژه‌ها عربی و عرفانی استفاده کرده و گاهی بعضی از واژه‌های کهن که امروز در قلمرو زبان فارسی کاربرد اندکی دارند نیز در سروده‌هایش مشاهده میشود.

از صنعت‌های بدیع لفظی، تکرار و انواع آن به ویژه تکرار واژه با ۴۰۷ مورد، همحرافی با ۲۷۸ مورد و تکرار هجا با ۲۰۸ مورد بسامد بالایی دارد و در مرتبه بعد، انواع جناس قرار دارد. در میان صنعت‌های بدیع معنوی روش تناسب به ویژه تضاد با ۵۴۶ مورد، مراعات‌النظیر با ۳۶۰ مورد و تلمیح با ۲۷۷ مورد بیشترین کاربرد را دارد. روش ایهام و روش تشبیه به ترتیب در مرتبه‌های بعدی قرار دارند. در بخش صورخیال، انواع تشبیه در درجه اول قرار دارد: اضافه تشبیهی ۴۷۸ مورد، تشبیه مفرد ۴۲۵ مورد، حسی به حسی ۴۰۷ مورد، مفصل ۳۹۸ مورد، مرسل ۳۹۲ مورد، بلیغ اسنادی ۲۵۷ مورد و تشبیه عقلی به حسی ۱۵۰ مورد. و در مرتبه دوم استعاره با ۶۸۴ مورد تکرار بالاترین بسامد را دارد. شبکه ذهنی شاعر در بیان صور خیال چندان پیچیده نیست و درک و تشخیص تشبیه و شناخت معانی استعاری و کنایی در شعر او دشوار به نظر نمیرسد.

در سطح فکری موضوعاتی؛ چون: عشق و حالات آن، توصیف معشوق، عرفان، حکمت، پند و اندرز، شکایت از روزگار، دعوت به اتحاد و همدلی، ستایش و مرثیه بیشترین بسامد را دارند.

از نظر کلی سبک شعر نادم نزدیک به سبک عراقی است؛ زیرا بسامد بالای واژه‌های عرفانی و عربی در سطح زبانی؛ توجه گسترده شاعر به غزل و آرایه‌های ادبی در سطح ادبی و پرداختن شاعر به عشق، حکمت، اندرز و عرفان و در کل عشقگرایی و درونگرایی او که از ویژگیهای برجسته سبک عراقی است در دیوان شاعر مشهود است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین استخراج شده است. آقای دکتر میثم حنیفی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

بر خود واجب میدانم از استادان محترم بخش ادبیات دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع) که در سالهای تحصیل از محضرشان بهره بردم و ماحصل دانش و اندیشه من، در نتیجه آموختن از آنهاست، قدردانی نمایم

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی میکنند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرد.

REFERENCE

- Ahmad Nezhad, Kamel. (2003). Literary technique. Tehran: Paya. P. 135.
- Anvari, Hassan and Ahmdi Givi, Hassan. (2011). Persian Grammar1, Tehran: Fatemi. P. 170.
- Gurgani, mohammad Hossain. (1998). Abda?ulbadáye?. Introduction by Jalil tajlil. Tabriz: Ahrar-e Tabriz. P. 256.
- Homayi, jalaluddin. (2010). Rhetoric Techniques and Literary Devices, Tehran: Ahura.
- Kazzazi, Mir jalaluddin. (1994). Aesthetics of Persian Discourse 3 (expression), Tehran: Markaz. P. 48.
- Moqaddam, ?alavi and Ashraf zadah, Reza. (2008). Expression and meanings, Tehran: Samt. P. 88.
- Nadem Qaisari, Mirza Mohammad Yahya. (2011). Generalities of Nadem. Introduction by Mohammad Sarwar Molaei. Tehran. Erfan. Pp. 20-280
- Najaf Qoli, Mirza. (1983). Dorra-e Najafi. Correction by Hossain Ahi. Tehran: Forughy. P. 188.
- Qavim, Abdulqayyom, (1982). Literary Devices Expression. Kabul: Kabul University. P. 101.
- Shafiei kadmeh, Mohammad Reza. (1992). Poet of mirrors, Tehran: Agah. P. 63

- Shafiei kadkani, Mohammad Reza. (2012). Poetry music, Tehran: Agah. P. 51.
Shamisa, Sirus. (1991). Expression, Tehran: Majid. P. 141.
Shamisa, Sirus. (2014). Expression and meanings, second edition, Tehran: Mitra. P. 33.
Shamisa, Sirus. (2016) Introduction to stylistics, second edition, Tehran: Mitra. P. 216-217.
Shamisa, Sirus. (2016). A New Look at Badie, Third Edition, Tehran: Mitra. P. 73
Shams qays, mohammad-ebne qays. (2009). Almo?jam fi Ma?aiere Asharel ?ajam. Edit by Sirus Shamisa. Tehran: ?elm. p. 359.
Watwat, Rashiduddin. (1983). Hadayequssehr fi daqayequúšé?r. correction by Abbas Eqbal-e Ashtiyani. Tehran: Tahury. P. 24.

فهرست منابع فارسی

- احمدنژاد، کامل. (۱۳۸۲). فنون ادبی. تهران: چاپ چهارم. نشر پایا.
احمدی گیوی، حسن و انوری، حسن. (۱۳۹۰). دستور زبان فارسی ۱. تهران: ج اول. ج ۱. نشر فاطمی.
سجادی، سید جعفر. (۱۳۸۳). فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. تهران: چ هفتم. نشر طهوری.
شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۱). شاعر آینه‌ها. تهران: چاپ سوم. انتشارات آگاه.
_____ . (۱۳۹۱). موسیقی شعر. تهران: چاپ سیزدهم. انتشارات آگاه.
شمس قیس، محمد بن قیس. (۱۳۸۸). الْمُعْجَمُ فی مَعَايِرِ أَشْعَارِ الْعَجَمِ. تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی؛ تصحیح مجدد: مدرس رضوی؛ و تصحیح مجدد: سیروس شمیسا. تهران: نشر علم.
شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰). بیان. تهران: چاپ اول. نشر مجید.
_____ . (۱۳۸۹). فرهنگ تلمیحات. تهران: چ دوم. نشر میترا.
_____ . (۱۳۹۳). بیان و معانی. ویرایش ۲. تهران: چاپ چهارم. نشر میترا.
_____ . (۱۳۹۵). الف). نگاهی تازه به بدیع. تهران: چاپ ششم. نشر میترا.
_____ . (۱۳۹۵). ب). کلیات سبک‌شناسی. تهران: چاپ دوم. نشر میترا.
_____ . (۱۳۹۷). آشنایی با عروض و قافیه. تهران: چاپ ششم. نشر میترا.
قویم، عبدالقیوم. (۱۳۶۱). فنون ادبی بیان. کابل: انتشارات پوهنتون کابل.
کزازی، میر جلال‌الدین. (۱۳۷۳). زیباشناسی سخن پارسی (۳). بدیع. تهران: نشر مرکز.
گرگانی، محمدحسین. (۱۳۷۷). اَبَدَعُ الْبَدَائِعِ. به اهتمام حسین جعفری، با مقدمه دکتر جلیل تجلیل. تبریز: انتشارات احرار تبریز.
مقدم، محمد علوی و اشرف‌زاده، رضا. (۱۳۸۷). معانی و بیان. تهران: چ هشتم. انتشارات سمت.
نادم قیصاری، میرزا محمد یحیی (۱۳۹۰). کلیات نادم. با مقدمه محمد سرور مولایی. تهران: چاپ اول. انتشارات عرفان.
نجفقلی، میرزا. (۱۳۶۲). ذَرَّةُ نَجْفِی. تصحیح حسین آهی. تهران: نشر فروغی.
همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۹). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: چاپ اول. انتشارات اهورا.

وطواط، رشیدالدین. (۱۳۶۲). حدایق السحر فی دقایق الشعر. به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی. تهران: انتشارات کتابخانه سنایی-کتابخانه طهوری.

معرفی نویسندگان

حسن جویا: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران.

(Email: Hassan.joya78@gmail.com)

(ORCID: [0009-0006-5700-6712](https://orcid.org/0009-0006-5700-6712))

میثم حنیفی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران.

(Email: hanifi@abu.ac.ir: نویسنده مسئول)

(ORCID: [0009-0000-9674-5450](https://orcid.org/0009-0000-9674-5450))

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Hassan Joya: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

(Email: Hassan.joya78@gmail.com)

(ORCID: [0009-0006-5700-6712](https://orcid.org/0009-0006-5700-6712))

Meysam Hanifi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Ahl al-Bayt International University, Tehran, Iran.

(Email: hanifi@abu.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: [0009-0000-9674-5450](https://orcid.org/0009-0000-9674-5450))